اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۱۸۴)

دیوهای خفته بخش چهارم

(همسر بخش ۲)

در قسمت قبل گفتیم که خدای رحمان در سوره مائده، حلال بودن طعام و همسران پاک را با هم در یک آیه ذکر میکند. این نکته ثابت میکند که این دو موضوع (طعام و انتخاب همسر) چقدر با همدیگر مرتبطند. خدای بزرگ میخواهند ما را در این مورد راهنمایی کنند که سبک و استایل طعام، تغذیه، فیدبک و یا ورودی های روانی دو زوج باید مشابه هم باشند و گرنه نمی توانند با هم و در کنار هم آرام گیرند.

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا

آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال و طعام شما برای آنان حلال است و [بر شما حلال است ازدواج با] زنان پاکدامن از مسلمان و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید و هر کس در ایمان خود شك كند قطعا عملش تباه شده و در آخرت از زیانکاران است (۵)

خدای رحمان در سوره مائده ابتدا از حرامها صحبت می فرمایند و بعد از اعلام حرامها، می فرمایند که این است دین اسلام و آن را به عنوان دین قابل پسند و مورد رضایت خود برای ما بر می گزینند. بعد از اعلام نمودن تحریم ها و خط قرمزها و حرامها، اینبار از حلالها صحبت میکنند. دینی که خدای رحمان از آن صحبت می فرمایند، اسلام است. اسلام یک نام خاص نیست و بلکه یک نام عام است به معنای تسلیم. تنها دینی که نزد خدا مورد پذیرش است، دین تسلیم است. یعنی دینی که در آن تسلیم دستورات خدا باشید. توجه کنید که کلمه اسلام باید ترجمه شود. کسانی که خالصانه تسلیم دستورات خدای رحمان هستند، صرف نظر از دین و مذهب مادرزادی، تسلیم شده هستند. حتی یک مسیحی و یک هندو هم می توانند تسلیم شده باشند. بنابراین میتواند یک مسیحی تسلیم شده، هندوی تسلیم شده ، یهودی تسلیم شده ، زرتشتی تسلیم شده ، و در نهایت مسلمانِ تسلیم شده وجود داشته باشد. به همین خاطر خدای

رحمان اینها را در کل اهل کتاب می نامد. خدای رحمان در سوره مائده سه مرحله از دستورات را اعلام می فرمایند.

۱	**اعلام خط قرمزها و حرامها و حریمها**	حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ....
۲	**اعلام دین تسلیم**	... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا ...
۳	**اعلام حلالها، راه حلها و ...**	الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ... وَالْمُحْصَنَاتُ ...

همانطور که می بینید، کلمه الاسلام در این آیه، ال معرفه در اول آن آمده است و این ثابت میکند که این کلمه خاص نیست و بلکه کلمه ای عام است و باید ترجمه شود. همچنین وقتی خدای رحمان از الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ **صحبت می فرمایند، یعنی امروزه (**الْيَوْمَ **= حال حاضر و نه گذشته) این روش، راه حل مشکل شماست. وقتی خدا راه حلی را می فرمایند یعنی این بهترین و کوتاه ترین و سریعترین و پر بازده ترین روش برای طعام و ازدواج است.**

یکی از دلایل توجه به طعام در انتخاب همسر این است که وقتی ازواج به عدم تفاهم می رسند، اولین اتفاقی که می افتد، جدا شدن سفره غذاست. به این ترتیب هر کدام جداگانه غذا می خورند. حتی زن و شوهرهایی بوده اند که سالها با هم بوده اند؛ اما

بمرور زمان ساز ناسازی برای هم زده اند و اولین اتفاقی که در این امر افتاده است، سفره غذایشان جدا شده است. در نهایت حتی فیلمهای مشترک هم نگاه نمی کردند. جداکردن طعام تغذیه و طعام روانی، مهمترین استارت جهت عدم تفاهم است.

یکی دیگر از آیتمهای انتخاب همسر، از نظر قرآن؛ طریقه راه رفتن اوست. باید به این نکته هم توجه کنید. براساس آیه قرآن، طریقه و روش راه رفتن، کلیه موجودات زنده را به صورت زیر تفکیک کرده است. این نوع تقسیم بندی مربوط به مشی و طریق زندگی است.

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ **يَمْشِي** عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ **يَمْشِي** عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ **يَمْشِي** عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۴۵﴾

و خداست که هر جنبنده ای را [ابتدا] از آبی آفرید پس پاره ای از آنها بر روی شکم راه می روند و پاره ای از آنها بر روی دو پا و بعضی از آنها بر روی چهار [پا] راه می روند خدا هر چه بخواهد می آفریند در حقیقت خدا بر هر چیزی تواناست (۴۵)

۱)جاندارانی که روی شکم راه میروند، مَنْ **يَمْشِي** عَلَى بَطْنِهِ

۲)جاندارانی که روی دو پا راه میروند. مَنْ **يَمْشِي** عَلَى رِجْلَيْنِ

۳)جاندارانی که روی چهار عضو راه میروند. وَمِنْهُمْ مَنْ **يَمْشِي** عَلَى أَرْبَعٍ

اما انسانهایی خواهند بود و هستند که روی صورت خود راه میروند و روش و مشی زندگی خویش را براساس صورت خود تنظیم میکنند.

۴)کسانی که روی صورت خود راه میروند. يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۲۲﴾

پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود (۲۲)

در حالی که خدای رحمان، راه رفتن براساس نور و وحی الهی را توصیه میکند. نور همان دستورات و راهنمایی های خدای رحمان است که باید بر آن اساس عمل نمود.

أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۲﴾

آیا کسی که مرده[دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکیهاست و از آن بیرون آمدنی نیست این گونه برای کافران آنچه انجام می دادند زینت داده شده است (۱۲۲)

راه رفتن و مشی بر اساس صورت، یعنی افراد مشی و روش زندگیشان را با صورت خود تنظیم میکنند. شاید انسان تنها موجودی است که قسمت نوزادی خودش را بر روی شکم خود حرکت میکند و بعد روی دو دست و دو پا راه میرود و در نهایت بر روی دو پا راه میرود. یعنی انسان هر سه نوع روش راه رفتن را در دوران نوزادی و کودکی و بزرگسالی تجربه میکند. همچنین انسان در لحظات بحرانی و خطر جانی، سینه خیز و حتی چهار دست و پا حرکت میکند تا خودش را نجات دهد.

چقدر زیبا خدای بزرگ در این آیه انواع رشد حرکتی انسان را نیز بیان می کند؛ سینه خیز رفتن؛ چهار دست و پا رفتن؛ راه رفتن بر روی دوپا. بر روی پای خود ایستادن، نه تنها در درمان بیماریها موثر است، بلکه در تقویت اراده هم موثر است.

اما گروه چهارمی که روی صورت خود راه میروند، خیلی غیر طبیعی است (درمان بیماری بخش چهارم). راه رفتن و مشی بر اساس صورت، یعنی افراد مشی و روش زندگیشان را با صورت خود تنظیم میکنند. آنها شب و روز دنبال جوانتر کردن صورت خود و انواع عملهای زیبایی روی صورت خود هستند. عملهای زیبایی و استفاده زیاد از وسائل آرایش زنانه و مردانه، نشان از توجه زیاد افراد به صورتشان است و آنان زیبایی ظاهری صورت را روش زندگی خویش قرار داده اند. در واقع مشی و طریقه راه رفتن آنان روی صورت است. راه رفتن روی صورت معانی مختلفی دارد از جمله رو ترش کردن، اخم کردن، قهر کردن، همیشه طلبکار بودن و... اینها برای بعضی ها نوعی سبک زندگی است و آنان به این صورت زندگی می گذرانند. در زندگی زن و شوهری هم این نوع مشی روی صورت مطرح است. گاهی زن و شوهر همیشه قهر

میکنند و همیشه از هم طلبکارند و یا هر چیزی را با روترشی و اخم از هم میخواهند. اینها خودش نوعی سبک زندگی شده است و مودت و رحمت را بین ازواج از بین برده است. اخم و روترشی و همیشه طلبکار بودن به معنای مشی روی صورت است. این خدای رحمان است که انسان را آفریده است. پس طرز راه رفتن یک انسان طبیعی هم باید طبق نظام رحمانی باشد. چطوری میتوان با کسی ازدواج کرد که روی صورت خود راه میرود؛ در حالی که شما روی دو پای خود راه میروید؟ وقتی با کسی ازدواج میکنید که ورودیها و طعامتان به هم نمی خورد، عملا یک دیو خفته در زندگی خود بوجود میاورید که هر لحظه ممکن است بیدار شود و شما را گرفتار کند.

بعضی ها میگویند که زن و مرد باید کامل کننده هم باشند! این ایده هم غلط است، بلکه زن و مرد باید ورودیهای روانی و مقدار خوراک شان به هم بخورد. کسی که روی صورت خود راه میرود را نمی توان شناخت و او با صورت خودش، خودش را به هر شکلی در می آورد. بنابراین معیار ازدواج اصلا نباید صورت باشد و بلکه طریقه راه رفتن روی دوپاست. در مقاله درمان بیماری ایوب بیان شد که پا مهترین رکن درمانی جسمی و روانی هر فردی است.

اما معنای راه رفتن روی دو پا چیست؟

پا نشانه توانایی های پایه ای و استعدادهای اولیه هر کسی است. بنابراین هر کسی باید براساس توانایی های اولیه خود، پایش را دراز کند. صورت نشانه توانایی های اولیه نیست. صورت را میتوان تغییر داد. فردی که صورت خود را با روشهای غیرمعمول زیبا میکند و دیگران را فریب میدهد، این یعنی سبک زندگی او راه رفتن

روی صورت است. مشی زندگی او بر مبنای راه رفتن روی صورت است. اما در زندگی واقعی این ها همه اش باد هواست و توانایی های اولیه و پایه ای به درد می خورند. خیلی ها با معیار صورت، همسر انتخاب کردند ولی خیلی زود به بن بست بر خوردند و فهمیدند که به اندازه ونوس و مریخ از هم فاصله دارند. عدم تفاهم به معنای عدم سازگاری روش و مشی راه رفتن است. راه رفتن روی دو پا و مشی به معنای راه رفتن فقط عادی نیست، بلکه به معنای مشی، سبک زندگی، طریقت و ... است. بنابراین با معیارهای ماشین، خانه و .. نمی توان همسر انتخاب کرد. بلکه مشی و طعام معیار صحیح انتخاب همسر هستند. منظورمان از طعام، طعام روانی و فیزیکی هر دو است. کسی که بیشتر وقت خود را در فضای مجازی در کانالهای مد می گذراند، با کسی که بیشتر وقت خود را صرف مطالعه و کار و تلاش و کوشش میکند؛ این دو اختلافی بس عمیق با هم دارند و اصلا با هم نمی توانند سازگاری داشته باشند. خدای رحمان با ما شوخی نمی کند. خدای رحمان عمدا طعام پاک و همسران را در یک آیه با همدیگر ذکر میکند.

در صورتی که معیارهای انتخاب همسر، طبق قرآن نباشد، به احتمال زیاد همسر به یک دیو خفته تبدیل میشود که هر لحظه احتمال بیداری این دیو امکان پذیر است. اصلا خدا به همین خاطر ازدواج با فرد مشرک را حرام میکند؛ زیرا فرد مشرک کاملا معیارهای متفاوتی در زندگی دارد.

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۲۲۱﴾

و با زنان مشرك ازدواج مكنيد تا ايمان بياورند قطعا كنيز با ايمان بهتر از زن مشرك است هر چند [زيبايى] او شما را به شگفت آورد و به مردان مشرك زن مدهيد تا ايمان بياورند قطعا برده با ايمان بهتر از مرد آزاد مشرك است هر چند شما را به شگفت آورد آنان [شما را] به سوى آتش فرا مى خوانند و خدا به فرمان خود [شما را] به سوى بهشت و آمرزش مى خواند و آيات خود را براى مردم روشن مى گرداند باشد كه متذكر شوند (۲۲۱)

خدای مهربان، ازدواج با یک برده و کنیز را بهتر از ازدواج به یک مشرک می داند. حتی اگر اینها زیبایی ظاهری هم نداشته باشند.

وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ

قطعا كنيز با ايمان بهتر از زن مشرك است هر چند [زيبايى] او شما را به شگفت آورد

وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ

قطعا برده با ايمان بهتر از مرد آزاد مشرك است هر چند شما را به شگفت آورد

طرز گفتار آیات خیلی جالب است. خدا دقیقا مشکلات را میداند و خیلی خوب میداند که فرد مشرک اینپوتهای غلط زیادی در خود جمع میکند و همین اینپوتها غذای معنوی اوست. وقتی دو نفر تغذیه شان به هم نخورد، دیگر به درد ازدواج با هم نمی خورند.

یک مرد واقعی، زن را به خاطر فداکاری‌هایی که برای شوهر و فرزندانش می‌کند میخواهد ، نه به خاطر جذابیت های قیافه. یک زن واقعی هم ، مرد را بخاطر تلاش و کوشش و درستکاریش میخواهد. اینها انتخابهای مردان و زنان طبیعی است. گسترش جمعیت زنان و مردان مجرد در طبقات مختلف اجتماعی، نشان دهنده یک گسست اجتماعی خیلی بزرگ است. اینها خطرات بزرگی است که نسل بشر را تهدید میکنند. تنها راه مقابله با این وضعیت، برگشت دوباره به دستورات ساده و قابل فهم قرآنی است و خود را منطبق کردن با دستورات آن است. در چنین شرایطی باید روشهای سنتی و مرسوم در جامعه را رها کرد و به استایل قرآنی آن متکی شد تا مشکل حل شود. در نهایت معیار قرآنی برای انتخاب همسر:

- مشابه بودن خوراک و طعام و غذاها و مقدار و سایز آن
- مشابه بودن ورودیهای فضای مجازی
- مشابه بودن مقدار زمانی که در فضای مجازی سپری میشود
- مشابه بودن طریقه راه رفتن و مشی در زندگی

- **مشابه بودن طریقه درمان و کنترل بیماریها**

فقط زمانی این مشابهت ها پیش خواهد آمد که دین افراد مشابه باشد. دین یعنی راه و روش و استایل زندگی. اما اگر دو نفر با هم ازدواج کرده اند و در این زمینه ها مشابهتی ندارند و مثل هم نیستند، چه کار کنند؟

جواب خیلی ساده است. باید هر دو از خود گذشتگی و فداکاری کنند و تلاش کنند تا روششان را شبیه هم کنند. مثلا باید مقدار ساعت و زمان حضور در فضای مجازی را محدود کنند و موضوعات فضای مجازی را که یکی از آنها قبول ندارد، را کنار نهند و این یک نوع جهاد خانوادگی در راه خداست.

این طبیعی است که کسی که خونخوار است، دیگران را هم به خونخواری تشویق میکند. اگر یکی از ازواج خونخواری و خون آشامی را رویه زندگی خویش کرده باشد، دیگری را هم به آن سمت سوق میدهد. زیرا این ایدئولوژی و سبک زندگیش است و اگر همسر مقاومت کند، این مقاومت را دلیل عدم تفاهم و عدم سازگاری به حساب می آورد. مفاهیم خونخواری و خون آشامی در قسمتهای قبل (قسمت ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷) بررسی شد. فداکاری بین همسران این است که فرد بنا به خواسته همسر خویش، بر روش تغذیه جسمی و روانی صحیح روی آورند و در این زمینه فداکاری به خرج دهند و از هواهای خود چشم پوشی کنند؛ که به نظر من هدف از زندگی مشترک زیر یک سقف هم همین است. زن و مردی که در این زمینه با هم همکاری کنند، زندگی لذت بخش و با معنایی خواهند داشت و کانون و بنیاد محکمی

را برای خود در دنیا و آخرت بنیان می نهند. اگر دو نفر دینشان یکی است ، باید در این زمینه به تفاهم برسند و این برای آخرت و دنیای خودشان هم مفید است.

معمولا زنان معیار انتخابشان شنیدن است، اما مردان معیار انتخابشان، دیدن است. شنیدن و دیدن! اما این روش آنان را به عنوان دو جبهه موازی و گاه مخالف به جان هم می اندازد. یا اینکه زنان انتظار دارند که مردان، در همه حال قربان صدقه آنان بروند و هر روز برایشان گل ببرند. این کارهای به ظاهر قشنگ ولی غلط، از آنجا که افراط در دل خود دارند، نه تنها کمکی به زندگی ها نمی کند، بلکه در دراز مدت، جسم و روان آنها را بیمار میکند. زیرا که آدمی تا چه حدی می تواند گل بخرد و یا حرفهای افراطی بزند!

خدای رحمان بجای این کارهای افراطی و عشق مانند، مودت و رحمت را بین زوجین پیشنهاد داده است. مودت و رحمتی که خدا پیشنهاد داده است تا که بین زوجین برقرار باشد؛ دارای چندین بُعد است:

۱- مودت و رحمت بین طرفین است و یک طرفه نیست. در جامعه ما به اشتباه فکر میکنند که مردان باید به زنان محبت کنند تا حدی که زن راضی شود و بپذیرد! در حالی که مودت و رحمت یک امر دو جانبه است. همین ایدئولوژی غلط باعث جنگهای زیادی در خانواده ها شده است و انتظاراتی غیر معمول را بوجود آورده است که با سرشت و فطرت خدادادی مردان و حتی زنان نمی خواند. این نوع انتظارات یک نوع غرور و تکبر است که از آدمها خونخوار می سازد.

۲- بعضی ها به اشتباه فکر میکنند که مودت و رحمت فقط به صورت قول است. در حالی که مودت و رحمت ممکن است کردار باشد و یا حتی صبر بر یک امری باشد.

۳- مثلا ممکن است یکی از زوجین اشتباهی بکند، در این حالت با انجام یک کار خیر نسبت به زوج خویش؛ عملا صلح برقرار میکند. زوج او دیگر نباید منتظر عذرخواهی قولی او باشد. که اکثر افراد فقط در سطح قول از زوجشان انتظار دارند که مراسم عذرخواهی برگزار کند. این که زن فقط انتظار شنیدن و مرد انتظار دیدن دارد، کار اشتباهی است. بلکه باید معانی و مفاهیم کارهای همدیگر را متوجه شوند و بر همدیگر سخت نگیرند که شیطان این جور سخت گیریها را به گره تبدیل می کند. گاهی پیش آمده است که یک اشتباه کوچک در شاخه گل عروس به یک کینه سی ساله بین زوجین تبدیل شده است!

۴- خدای مهربان وقتی از مودت و رحمت بین زن و مرد صحبت می فرماید، به مودت و رحمت بین آنان اشاره میکند. بنابراین مودت و رحمت دو طرفه است و اینطوری نیست که مرد باید مودت و رحمت کند و زن نگاه کند.

۵- معمولا مودت و رحمت بعد از ازدواج شکل می گیرد. در حالی که عشق، به مفاهیمی قبل از ازدواج اشاره دارد. در ضمن عشق یک مفهوم شیطانی است که تمام جایگاههای واقعی زن و مرد و ارتباطات صحیح بین آنان را به هم ریخته است.

اهرم مهریه هم از ناجوانمردانه ترین روشهای سبک و استایل زندگی است. مهریه یک امر باطل است و اثری از آن در قرآن نیست. اما از آنجا که این اسم گذاری در جامعه رایج است، فعلا آن را همان مهریه می نامیم ولی با مفهوم جدید. همانطور که در بعضی قهوه خانه ها، قهوه وجود ندارد و بیشتر چای رواج دارد؛ اما اسمش از قهوه گرفته شده است. مهریه به روش غیرقرآنی، آنطوری که در جامعه رایج است، ربطی به دین خدا ندارد و بلکه مربوط به آئین مهرپرستی است.

بهترین دلیل بر بطلان مهریه، مردانی هستند که ابتدا برای ابراز علاقه آن را قبول کردند و متاسفانه زنان بدون در نظر گرفتن این مورد، بعدا آن را به اجرا گذاشتنند و مردان به زندان افتادند. یا اینکه مردان بدون توجه به عواقب پذیرش چنین تعهدی، رسم و سنت غلطی را در جامعه پراکندند و هر دو گروه از مودت و رحمت فی مابین محروم شدند. شاید تعجب کنید که در تعیین مهریه های زیاد، بیشتر مردان مقصرند. زیرا آنان هستند که این چنین سنتهای غلطی را بیشتر دامن میزنند و زنان را در یک توهم و فریب می اندازند.

آدمیان خیلی زود وقایع را از یاد می برند. الهه مهر که اکنون یک شیطان پشت مفهوم آن نشسته است، دست از جامعه ما بر نمی دارد و در زمانه ما مثل دیو خفته بیدار شده است. این سیکل باطل تا کی میخواهد ادامه پیدا کند؟ آیا خدا زنان و مردان را اینطوری آفریده است، یا اینکه آنها خود قصد دارند چنین رفتار کنند و میخواهند به الهه مهر کمک کنند و مهرپرست شده اند؟ آیا زن و مرد مهمترین آزمایش اند برای همدیگر؟ زن و مرد در طرز بکارگیری این اهرممها و این روشهای غلط، من واقعی

خود را نمایان میکنند و به این طریق آخرت خود را رقم می زنند. آدمی تا در مرحله عمل قرار نگیرد، خود واقعیش مشخص نخواهد شد.

دین هر کسی آنی نیست که ادعا دارد و یا ارثی از والدینش به او رسیده باشد. بلکه دین هر کسی آنی است که اجرا میکند و طبق آن مشی و زندگی میکند. کسی که مهریه را بجای مودت و رحمت بکار می گیرد، دین او مهرپرستی است. حتی اگر خودش هم اعلام کند که نه دین او اسلام است؛ این اقرارها چیزی را عوض نمی کنند. وقتی اهرمی مثل مهریه باشد، دیگر مودت و رحمت بی معناست. زیرا فرد برای وادار کردن همسرش به یک کاری، فورا او را با به اجرا گذاشتن مهریه تهدید میکند. در حالی که این مشکل می بایست بوسیله مودت و رحمت حل میشد. زوج برای اینکه مودت و رحمت بکار نگیرد، اهرم مهریه را بکار می گیرد؛ زیرا ظاهرا این روش راحت تر و قدرتمندتر است. انسانها شقاوت و سنگدلی را انتخاب میکنند؛ به این طریق مودت و رحمت جایگاه واقعی خویش را از دست میدهد. زیرا انتخاب شقاوت و سنگدلی راحت تر است. همیشه روشهای شیطانی به ظاهر راحت ترند ولی مشکلی را حل نمی کنند.

خدای رحمان میدانست که چنین مشکلاتی بوجود میاید. به همین خاطر به مودت و رحمت به عنوان تنها چیزی که بین زوجین باید برقرار باشد اشاره میکند و این تنها روش حل مشکلات فی مابین است. در واقعیت اهرم مهریه هم هیچ چیزی را در زندگی واقعی حل نمی کند، فقط گره ها و کینه ها را بیشتر و بزرگتر میکند. خیلی ها اقرار میکنند که مهریه زندگیشان را بر باد داد و گرنه آنها با هم دیگر خوب بودند.

حتی در مهریه های بالا، بیشترین قشری که ضرر میکنند، زنان هستند. زیرا آنها از مودت و رحمت واقعی محروم میشوند و به این طریق زندگی آنها به میدان مچ گیری و اخم و قهر و تهدید تبدیل میشود. این چیزی نیست که زنان بخواهند. زنان گرفتار سنتهای غلطی شده اند که بزرگان قوم و قانون گذاران توانایی برداشتن آن را ندارند و به این طریق همگی با هم به یک رسم مهرپرستی مهر تائید نهاده اند. و گرنه خیلی از زنان با مهریه های بالا کاملا مخالفند.

در جامعه ما به زنان و مردان، روشهای مهرپرستی یاد داده میشود و این روش غلط نسل به نسل منتقل میشود و شده است. در مهر پرستی، که هفت مرحله داشت، فقط مردان شرکت داده می شدند و زنان نقشی در آن نداشتند. اگر زنان در معنویتها همراه مردان مشارکت نکنند و به آنان معنویت یاد داده نشود، نسل خوبی پرورش پیدا نمی کند. در مهرپرستی، زنان از گردونه معنویت و طریقت خارج شده بودند. بنابراین اختلاف معنوی بین زن و مرد روز به روز عمیقتر شد. در زمان پیامبر زکریا، این مورد به اوج خود رسیده بود. به همین خاطر خدای رحمان به مریم دستور میدهد که با رکوع کنندگان، رکوع کند و در عبادات جمعی با مردان مشارکت کند.

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۳﴾

ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما (۴۳)

وقتی زنان به دید فقط جنسی نگاه کرده شوند، آنان از معنویت واقعی محروم می شوند و در نتیجه یک قشر بدون معنویت پدید می آید و در نهایت کلیت جامعه از اهرمهای مهر پرستی برای استحکام عقد ازدواج استفاده میکنند. زنان محل کشت معنویت هستند که میتوان نسل خوبی را از این کشتزار بدست آورد.

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾

زنان شما محل کشت معنویت شما هستند پس از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در]آیید و آنها را برای خودتان مقدم دارید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده (٢٢٣)